حمایت هوشمند؛ الگویی پویا برای نقش دولت در اقتصاد

سیدیاسر جبرائیلی

رابطه بین دولت و بازار یکی از اساسی‌ترین موضوعات مورد بحث در اقتصاد سیاسی است. قدرت‌های صنعتی و به لحاظ اقتصادی پیشرفته دنیا، در برهه‌هایی از تاریخ مدعی شدند پیشرفت اقتصادی آنها در سایه مکانیسم خودتنظیم بازار و عدم مداخله دولت در اقتصاد اتفاق داده و به کشورهای دیگر توصیه کردند اگر می‌خواهند چون آنان صنعتی شوند، باید اقتصاد را به مکانیسم بازار بسپارند. اما بررسی تاریخ پیشرفت خود این کشورهای صنعتی، یا کشورهایی که در دوره جدید به پیشرفت اقتصادی رسیدند، نشان می‌دهد هرگز دولت در این کشورها مدیریت اقتصاد را به مکانیسم بازار نسپرده و به انحای مختلف نقش حمایتی را در رابطه با تولید ایفا کرده است. نظریه حمایت گرایی هوشمند که در مقاله حاضر به عنوان یک الگوی برای رابطه پیچیده بین دولت و بازار پیشنهاد می‌شود، با اینتابه تجربه کشورهای پیشرفته تدوین شده است. دولت در این نظریه، نقش حامی، هادی و ناظر را دارد و به اقتضای شرایط اقتصاد با شرایط خاص یک صنعت، رابطه متناسب با نیروهای بازار برقرار می‌کند. این مقاله چکیده‌ای از فصل دوم کتاب «دولت و بازار: الگویی پویا برای روابط متقابل» است.

۱- مقدمه

مسئله نقش و حدود مداخله دولت در حیطه اقتصادی و رابطه دولت و بازار از اساسی‌ترین مناقشات در دوران مدرن بوده است (کروج، ۱۳۸۸: ۴۵). در یک چشم‌انداز کلی، عنصر تعیین کننده سیستم اقتصادی کشورها نیز بر حسب نوع رابطه دولت- بازار و حدود مداخله دولت در عرصه اقتصادی تعیین می‌شود (هایامی، ۱۳۹۲: ۲۵۷). از مهم‌ترین مسائل پیش روی اقتصاددانان و طبیعتا نهاد دولت در کشورهای در حال توسعه، این است که در تدوین برنامه‌های توسعه نقش دولت را چگونه تعریف کنند. یا دولت باید مدیریت اقتصاد را به مکانیسم بازار بسپارد یا دست به سازماندهی نیروهای بازار بزند؟ در یک سو لیبرال‌ها یا لیبرترین‌ها قرار دارند که هر نوع حضور و مداخله دولتی را نفی می‌کنند و از طرف دیگر کمونیست‌ها هستند که دولتی کردن تمام اشکال مالکیت و برنامه‌ریزی اقتصادی مرکزی را لازم می‌دانند. آدام اسمیت که مباحث آن ذیل بحثی با عنوان «اموزه دست نامرئی» شناخته می‌شود بیان می‌کند که آزادسازی نیروهای بازار باعث بهترین شکل از تخصیص منابع، نوآوری عرضه کالاها با کمترین قیمت و بالاترین کیفیت، و نهایتا رشد اقتصادی می‌شود. او منتقد رویکردی بود که دولت و دولتمردان را واجد صلاحیتی بیش از دیگران برای شناخت و هدایت بازار می‌دانست. مطابق روحیه لیبرالی که نگاه بدبینانه‌ای به دولت به عنوان ناظری بی‌طرف دارد، اسمیت معتقد بود که دولت اساسا فاقد توانایی شناخت کامل بازار و هدایت خیر خواهانه است. (ساندین و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۸- ۴۷). اقتصاد نئوکلاسیک به وجود تعادل در بازار از طریق عرضه و تقاضا معتقد است که ادامه دهنده سنت اسمیت بوده است. اما به تحلیل پدیده‌های اقتصادی ابعاد روشمندتری داده است. اقتصاددانانی از جمله جونز، والراس، میل، منگر، مارشال، هایک و فریدمن، بر باور کلاسیک‌ها بوده‌اند و آن را تقویت کرده‌اند. با این دیدگاه نیروهای بازار- که عرضه و تقاضا باشند- در شرایط رقابت کامل بازیگران اقتصادی صورت می‌گیرند و منضمن تخصیص بهینه منابع و بیشینه‌سازی مطلوبیت و رفاه می‌شوند. اصل مزیت نسبی بین کشورها و وجود تجارت آزاد بازارهای بین‌المللی را شکل می‌دهد که منجر به تقسیم کارهای بین‌المللی می‌شود.

با تکیه بر همین ادبیات نظری، قدرت‌های صنعتی و به لحاظ اقتصادی پیشرفته امروز دنیا به ویژه انگلستان و امریکا در برهه‌هایی از تاریخ مدعی شدند پیشرفت اقتصادی آنها در سایه مکانیسم خودتنظیم بازار و عدم مداخله دولت در اقتصاد اتفاق داده و به کشورهای دیگر توصیه کردند اگر می‌خواهند چون آنان صنعتی شوند، باید اقتصاد را به مکانیسم بازار بسپارند. اما بررسی تاریخ پیشرفت خود این کشورهای صنعتی، یا کشورهایی که در دوره جدید به پیشرفت اقتصادی رسیدند، نشان می‌دهد هرگز دولت در این کشورها مدیریت اقتصاد را به مکانیسم بازار نسپرده و به انحای مختلف نقش حمایتی را در رابطه با تولید ایفا کرده است. نظریه حمایت گرایی هوشمند که در مقاله حاضر به عنوان یک الگوی برای رابطه پیچیده بین دولت و بازار پیشنهاد می‌شود، با اینتابه تجربه کشورهای پیشرفته تدوین شده است. دولت در این نظریه، نقش حامی، هادی و ناظر را دارد و به اقتضای شرایط اقتصاد با شرایط خاص یک صنعت، رابطه متناسب با نیروهای بازار برقرار می‌کند. این مقاله چکیده‌ای از فصل دوم کتاب «دولت و بازار: الگویی پویا برای روابط متقابل» است.

۱- ادبیات نظری

«بنیادگرایی بازار» شکل افراطی اعتقاد به مکانیسم خودتنظیم بازار است که حذف کامل اعمال مدیریت و وضع مقررات دولتی در اقتصاد را توصیه می‌کند. این عبارت نخستین بار در سال ۱۹۹۸ توسط «جرج سوروس» در کتاب «بحران سرمایه داری جهانی» استفاده شد: «بنیادگرایی بازار، بنیادگرایان بازار را بر این باور دارند که منافع عمومی هنگامی به بهترین شکل خود تأمین می‌شود که مردم مجاز باشند منافع شخصی خود را دنبال کنند» (Soros، ۱۹۹۸: ۱۲). و در جای دیگر می‌نویسد: «پشتوانه نظام سرمایه داری جهانی یک ایدئولوژی است که ریشه در تئوری رقابت کامل دارد و اساس این تئوری، بازار ایده‌آل به تعادل دارد و وضعیت تعادل، بهترین حالت تخصیص بهینه منابع است. ایجاد هر گونه مانع در برابر رقابت (آن در کارآمدی بازار اخلال ایجاد می‌کند) و لذا باید از شکل گیری این موانع جلوگیری شود» (Soros، ۱۹۹۸: ۱۶۹). داده‌های تاریخی اسن ادعای بنیادگرایان بازار که بسازار به خودی خود و خارج از هرگونه اعمال مدیریت و سازماندهی، در نتیجه جستجوی منافع شخصی توسط افراد، منابع را به بهترین شکل تخصیص داده و منافع عمومی را تأمین می‌کند، اثبات نمی‌کند. بلکه در مقابل، بررسی تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد این دولت‌ها بوده‌اند- نه مکانیسم خودتنظیم و دست نامرئی- که بازارها را معماری و سازماندهی کرده‌اند تا شاخص کامل بازار و هدایت خیر خواهانه است. (ساندین و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۸- ۴۷). اقتصاد نئوکلاسیک به وجود تعادل در بازار از طریق عرضه و تقاضا معتقد است که ادامه دهنده سنت اسمیت بوده است. اما به تحلیل پدیده‌های اقتصادی ابعاد روشمندتری داده است. اقتصاددانانی از جمله جونز، والراس، میل، منگر، مارشال، هایک و فریدمن، بر باور کلاسیک‌ها بوده‌اند و آن را تقویت کرده‌اند. با این دیدگاه نیروهای بازار- که عرضه و تقاضا باشند- در شرایط رقابت کامل بازیگران اقتصادی صورت می‌گیرند و منضمن تخصیص بهینه منابع و بیشینه‌سازی مطلوبیت و رفاه می‌شوند. اصل مزیت نسبی بین کشورها و وجود تجارت آزاد بازارهای بین‌المللی را شکل می‌دهد که منجر به تقسیم کارهای بین‌المللی می‌شود.

با تکیه بر همین ادبیات نظری، قدرت‌های صنعتی و به لحاظ اقتصادی پیشرفته امروز دنیا به ویژه انگلستان و امریکا در برهه‌هایی از تاریخ مدعی شدند پیشرفت اقتصادی آنها در سایه مکانیسم خودتنظیم بازار و عدم مداخله دولت در اقتصاد اتفاق داده و به کشورهای دیگر توصیه کردند اگر می‌خواهند چون آنان صنعتی شوند، باید اقتصاد را به مکانیسم بازار بسپارند. اما بررسی تاریخ پیشرفت خود این کشورهای صنعتی، یا کشورهایی که در دوره جدید به پیشرفت اقتصادی رسیدند، نشان می‌دهد هرگز دولت در این کشورها مدیریت اقتصاد را به مکانیسم بازار نسپرده و به انحای مختلف نقش حمایتی را در رابطه با تولید ایفا کرده است. نظریه حمایت گرایی هوشمند که در مقاله حاضر به عنوان یک الگوی برای رابطه پیچیده بین دولت و بازار پیشنهاد می‌شود، با اینتابه تجربه کشورهای پیشرفته تدوین شده است. دولت در این نظریه، نقش حامی، هادی و ناظر را دارد و به اقتضای شرایط اقتصاد با شرایط خاص یک صنعت، رابطه متناسب با نیروهای بازار برقرار می‌کند. این مقاله چکیده‌ای از فصل دوم کتاب «دولت و بازار: الگویی پویا برای روابط متقابل» است.

۱- ۱- ولت حامی، هادی و ناظر

در نظریه حمایت هوشمند، رابطه دولت و بازار هرگز فقط نمی‌شود. بلکه نوع این رابطه به اقتضای شرایط اقتصادی عام یا شرایط ویژه بازار یک کالای مشخص، تغییر می‌کند. در این نظریه، «حامی»، «هادی» و «ناظر» به نیروهای بازار نقش ایفا می‌کند تا آنها را در جهت اجرای برنامه ملی پیشرفت- سازماندهی نماید. به این معنی که همه نیروهای بازار حامی می‌کند. هیچ عملکرد اینها نظارت دارد، و هم آنها را جهت برنامه پیشرفت هدایت می‌کند.

ایفای نقش سه گانه «حامی، هادی و ناظر» از سوی دولت در رابطه با نیروهای بازار مقدمات والزامای تاریخی آن‌را فراهم دارشت. دولت یک «حیات صنعتی» است که نقش دولت باید بر اساس آن طراحی شود. سیاست صنعتی عبارتست از «نقش استراتژیک از سوی دولت برای دستیابی به رشد و پیشرفت در بخش‌های منتخب از صنعت. سیاست صنعتی شامل قوانین، مقررات، اصول، سیاست‌ها و قیدهایی است که از سوی دولت‌ها تعریف و وضع می‌شوند تا فعالیت‌های صنعتی کشور را سامان بخشیده، کنترل کوچک و متوسط اقتصاد باید ایفا کنند برای رسیدن به پیشرفت صنعتی معنوی- خصوصی- تعاونی و همچنین نقش‌هایی که بخش‌های بزرگ، کوچک و متوسط اقتصاد باید ایفا کنند برای رسیدن به پیشرفت صنعتی تعریف می‌شود. سیاست صنعتی است که سیاست‌های پولی و مالی، سیاست نرخ‌های سیاست اشتغال، ویژه‌دولت‌ها در سرمایه خارجی، نقش شرکت‌های چندملیتی و... را در پیشرفت صنعتی کشور مشخص می‌کند. بدون داشتن سیاست صنعتی، اساسا نمی‌توان برای دولت نقشی در نظریه حمایت هوشمند تعریف کرد.

با مطالعه برنامه‌های پنج ساله توسعه در ایران به وضوح می‌توان خلأ سیاست صنعتی را مشاهده کرد. بنا این برنامه‌ها فقط دارای یک مشخص صنعتی هستند و می‌توان گفت نوعی از توسعه را دنبال می‌کنند که «تورن»، «تویل» و «لوتهیل» آن را «توسعه بسط» خوانده‌اند. توسعه بسط را به طور خلاصه می‌توان نوعی از توسعه دانست که در فقدان سیاست صنعتی اتفاق می‌افتد و نتیجه آن، افزایش تیراژ تولید با اتکا به فناوری خارجی یا سرمایه گذاری مستقیم خارجی است نه دستیابی به فناوری و تولید توان صنعتی (Ravenhill، ۲۰۱۴). با یک مثال از برنامه تنظیم توسعه می‌توان تصویر روشن تری از رویکرد توسعه بسط که نقطه مقابل سیاست صنعتی است به دست داد. در برنامه پنج ساله ششم توسعه ایران که مربوط به بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ است اهداف کمی تعیین شده برای برخی صنایع به شرح جدول ساده زیر بیان شده است.

همان طوری که در جدول شماره یک مشاهده می‌شود، هدف گذاری انجام شده برای صنایع افزایش تیراژی و مقداری تولید است نه دستیابی به فناوری‌های مشخص برای تولید خودرو، دارو، لاستیک و کاغذ (شد تفصیلی برنامه ششم توسعه: ۹۶- ۹۸).

در کنار داشتن سیاست صنعتی مشخص، دومین الزام برای رابطه حمایت هوشمند، داشتن یک «حامانه اشراف» دقیق است. دولت باید اطلاعات دقیق و به لحظه‌ای در باره ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل اقتصاد داشته باشد تا بتواند بر پیشرفت سیاست صنعتی راسمیت‌دهد و متناسب با آن، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نماید. برای اینجا چنین سامانه‌ای در ایران ۱۵ ماجموعه اطلاعاتی مرتبط باید تجمیع شده و پیوسته مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا ارزیابی دقیقی از وضعیت اقتصاد در اختیار دولت قرار گیرد و بتواند تصمیمات صحیح و به موقع اتخاذ کند. این ۱۵ سامانه عبارتند از: اطلاعات مربوط به سرمایه مالکی، بیمه‌ها، مالیات، تبت سفارش کالا، واردات و صادرات، بورس، تأمین اجتماعی، بودجه عمومی و عمرانی، ظرفیت‌های واقعی و بالفعل اقتصاد ملی، بازار کالی داخلی، مستغلات و املاک، حقوق و اشخاص حقوقی، سیستم کد گذاری کالا، قیمت کالاها و خدمات، سیستم شرکت‌ها در حوزه عینی هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی که متولی طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه بود، چنین سامانه‌ای را نیز برای اشراف بر وضعیت اقتصاد ایجاد کرد. در ایران نیز پیشنهاد می‌شود ستاد فرماندهی کرونا، وزیر مالیه اولین چهارده‌هم (یادشاه فراسه) است. کولبرت از ۱۶۶۴ تا ۱۶۸۳ مسئولیت مالی و اقتصادی فرانسه را بر عهده داشت. کولبرت قدرت کرنتیلیسم را در فرانسه به طور خاص بر بریتانیا به دنبال «سیاست‌های تجاری مرکانتیلیستی» (Wood، ۲۰۰۹: ۱۵) و «پولس گرانت» که رئیس جمهور ایالات متحده امریکا از سال ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۷ بود، می‌گوید: شرح است. در سال ۱۶۶۵ «صنعت آینه‌سازی انگلیسی» تاسیس شد و در سال ۱۶۷۲، برای حمایت از صنعت آینه‌سازی فرانسه، وارادت آینه را از ایتالیا منع کرد. به همین ترتیب، صنایع نساجی را برای دربار شاهی تأسیس نمود. فعالیت کمپانی هند شرقی فرانسه را تقویت و رفتن کارگران ماهر فرانسوی به خارج از کشور، را ممنوع اعلام کرد. اقتصاددانان نظریه‌ها و سیاست اقتصادی «کولبرت» را که موجب رشد چشمگیر اقتصاد فرانسه شد، به نام کولبرتیزم نامیده‌اند. اما در یک معنای کلی و صحیح‌تر، باید نظریات وی را زیر مجموعه سیاست حمایت گرانه دانست.

به رغم ادبیات موجود درباره ضرورت حمایت گرایی از تولید و تعاملی که در دوره‌های اولیه توسعه ایران وجود دارد، اما در سطح نظری هیچ‌نشان از تولید داخلی نداشت. حلاً مطالعات پیشین این است که یک مدل و الگوی ارزیابی چگونگی بازار حمایت از صنایع نوزاد خود، نداشت. مقاله حاضر تلاش دارد در چارچوب نقش «حامی، هادی و ناظر» برای دولت، پنج نوع رابطه بین دولت و بازار را برای صنایع نوزاد کند.

۲- نظریه حمایت هوشمند

نظریه حمایت هوشمند که در این مقاله ارائه می‌شود، نوعی تلاش برای حل معمای دولت و بازار و گامی در مسیر پایان دادن به مجادله‌های تاریخی درباره نوع رابطه این دو نهاد است. «حمایت هوشمند» دقیقا در نقطه مقابل «بنیادگرایی بازار» قرار دارد، اما در دام دولت گرایی به معنای تصدی گری دولتی نیز نیفتاده است. این نظریه «نقش بنیادی بازار» را در پیشرفت کشورها و تأمین منافع ملت مفروض می‌گیرد. اما ضمن قائل بودن به مکانیسم بازار به عنوان یک عنصر اساسی پیشرفت، سازماندهی آن توسط دولت به اقتضای شرایط اقتصادی و هویجت سیاست صنعتی و برنامه توسعه ملی را یک ضرورت می‌داند. در ادامه ابتدا به اهمیت بازار در پیشرفت پرداخته و سپس مدل رابطه دولت- بازار در نظریه حمایت هوشمند ارائه خواهیم کرد.

> نظریه حمایت هوشمند تلاشی برای حل معمای رابطه دولت و بازار و گامی در مسیر پایان دادن به مجادله‌های تاریخی درباره نوع رابطه این دو نهاد است. «حمایت هوشمند» دقیقا در نقطه مقابل «بنیادگرایی بازار» قرار دارد، اما در دام دولت‌گرایی به معنای تصدی‌گری دولتی نیز نیفتاده است. این نظریه «نقش بنیادی بازار» را در پیشرفت کشورها و تأمین منافع ملت مفروض می‌گیرد. اما سازماندهی نیروهای بازار توسط دولت به اقتضای شرایط اقتصادی و هویجت سیاست صنعتی و برنامه توسعه ملی پیشرفت را یک ضرورت می‌داند.

رابطه دولت و نیروهای بازار در نظریه حمایت هوشمند

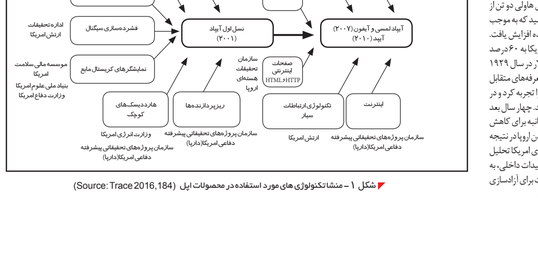

اینکه تحت هدایت و نظارت دولت باشد، صرفا از بازار انحصاری داخلی بهره‌مند شود، ممکن است اساسا هیچ برنامه‌ای برای توسعه محصول نداشته و عوامل حاصل از برنامه‌های حمایت ملی را در راستای منافع خشن هزینه کند.

این سناریو که ممکن است در بازار کشورهای صنعتی رخ دهد، که با سیاست صیانت از بازار بدیر برای تمامی کالاها و تولیدات اجرا شود؛ پاسخ این است که در سیاست صیانت، سخن از یک بازار موجود و در معرض تخریب نیست یعنی عرضه و تقاضای داخلی برای یک کالا وجود دارد. بر اساس آخرین درباقی که در دانشگاه کمبریج و صنعت در نسبت با سیاست صنعتی و برنامه توسعه ملی در باره پنج نوع رابطه با نیروهای بازار برقرار خواهد کرد. این پنج رابطه عبارتند از: «حامی» در رابطه با بازار، خلق نوع رابطه بازار و بسط بازار، در ادامه به تشریح هر کدام از این روابط نوع دولت و نیروهای بازار پرداخته و به نمونه‌هایی از برقراری این روابط پنج گانه در تاریخ پیشرفت کشورهای صنعتی اشاره خواهیم کرد.

۴- رابطه دولت و نیروهای بازار در نظریه حمایت هوشمند

۴-۱- صیانت از بازار

سیاست «صیانت از بازار» اولین و سادەترین گام در تأمین بازار برای تولید است و مهم‌ترین وجه از حیات هوشمند نه شمار می‌رود. درباره اهمیت بازار پیشتر اشاره کردیم که اولین شرط بقا و رانقای تولید، بهره‌مندی از امکان بازار است و فقدان دسترسی به بازار، به معنای مرگ تولید است. بازار داخل یک کشور، یک فرصت برای تولید کنندگان به شمار می‌رود و دولت نیز است که می‌تواند این فرصت را تضمین نماید. تضمین این فرصت، جلوگیری از حضور کالای مشابه خارجی در بازار، و راه دریچ این فرصت، از دادسازی تجاری، حذف موانع گمرکی و تسهیل دادسازی است.

حضور کالای خارجی مشابه تولید داخل در بازار داخلی، تحدید بازار برای تولید کننده داخلی است. چه، بازار ظرفیت مشخصی دارد و به ازای هر واحد کالایی که از خارج وارد، بازار می‌شود، به همسان اندازه فرصت بازار برای تولید کننده داخلی در معرض تحدید قرار می‌گیرد و امکان اخراج کامل تولید کننده داخلی از بازار وجود دارد و به ویژه در شرایطی که کالای مورد نظر در عرضه توانایی قرار دارد و امکان رقابت با کالای خارجی را ندارد جلوگیری شدن کالای خارجی با کالای داخلی، نه تنها زمینه خلق ثروت و از محل تولید آن کالا را متوقف می‌کند و نمادی جون بیکاری در پی دارد، بلکه منجر به تولید کالایی از وضعیت اقتصاد در اختیار دولت قرار گیرد و نتیجه تصمیمات صحیح و به موقع اتخاذ کند. این ۱۵ سامانه عبارتند از: اطلاعات مربوط به سرمایه مالکی، بیمه‌ها، مالیات، تبت سفارش کالا، واردات و صادرات، بورس، تأمین اجتماعی، بودجه عمومی و عمرانی، ظرفیت‌های واقعی و بالفعل اقتصاد ملی، بازار کالی داخلی، مستغلات و املاک، حقوق و اشخاص حقوقی، سیستم کد گذاری کالا، قیمت کالاها و خدمات، سیستم شرکت‌ها در حوزه عینی هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی که متولی طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه بود، چنین سامانه‌ای را نیز برای اشراف بر وضعیت اقتصاد ایجاد کرد. در ایران نیز پیشنهاد می‌شود ستاد فرماندهی کرونا، وزیر مالیه اولین چهارده‌هم (یادشاه فراسه) است. کولبرت از ۱۶۶۴ تا ۱۶۸۳ مسئولیت مالی و اقتصادی فرانسه را بر عهده داشت. کولبرت قدرت کرنتیلیسم را در فرانسه به طور خاص بر بریتانیا به دنبال «سیاست‌های تجاری مرکانتیلیستی» (Wood، ۲۰۰۹: ۱۵) و «پولس گرانت» که رئیس جمهور ایالات متحده امریکا از سال ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۷ بود، می‌گوید: شرح است. در سال ۱۶۶۵ «صنعت آینه‌سازی انگلیسی» تاسیس شد و در سال ۱۶۷۲، برای حمایت از صنعت آینه‌سازی فرانسه، وارادت آینه را از ایتالیا منع کرد. به همین ترتیب، صنایع نساجی را برای دربار شاهی تأسیس نمود. فعالیت کمپانی هند شرقی فرانسه را تقویت و رفتن کارگران ماهر فرانسوی به خارج از کشور، را ممنوع اعلام کرد. اقتصاددانان نظریه‌ها و سیاست اقتصادی «کولبرت» را که موجب رشد چشمگیر اقتصاد فرانسه شد، به نام کولبرتیزم نامیده‌اند. اما در یک معنای کلی و صحیح‌تر، باید نظریات وی را زیر مجموعه سیاست حمایت گرانه دانست.

به رغم ادبیات موجود درباره ضرورت حمایت گرایی از تولید و تعاملی که در دوره‌های اولیه توسعه ایران وجود دارد، اما در سطح نظری هیچ‌نشان از تولید داخلی نداشت. حلاً مطالعات پیشین این است که یک مدل و الگوی ارزیابی چگونگی بازار حمایت از صنایع نوزاد خود، نداشت. مقاله حاضر تلاش دارد در چارچوب نقش «حامی، هادی و ناظر» برای دولت، پنج نوع رابطه بین دولت و بازار را برای صنایع نوزاد کند.

۳- نظریه حمایت هوشمند

نظریه حمایت هوشمند که در این مقاله ارائه می‌شود، نوعی تلاش برای حل معمای دولت و بازار و گامی در مسیر پایان دادن به مجادله‌های تاریخی

جدول ۱- اهداف کمی تعریف شده برای برخی صنایع در برنامه ششم توسعه

عنوان	واحد	هدف کمی	وضعیت در پایان سال‌های			سال‌های برنامه ششم			
			۱۳۹۳	۱۳۹۴*	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
خودرو سواری و وانت	هزار دستگاه	۱۱۰۹	۱۰۲۰	۱۴۰۰	۱۶۰۰	۱۸۰۰	۱۹۰۰	۲۰۰۰
خودرو تجاری	هزار دستگاه	۷	۲۰	۳۵	۵۰	۵۵	۶۰	۶۰
دارو	میلیارد عدد	۳۸	۴۰	۴۵	۵۲	۵۵	۵۴	۵۲
لاستیک خودرو	هزار تن	۲۲۲	۲۱۰	۲۷۵	۳۰۰	۳۵۰	۴۰۰	۴۰۰
کاغذ	هزار تن	۵۹۰	۵۵۰	۶۰۰	۶۵۰	۷۰۰	۷۵۰	۷۵۰

مرکانتیلیستی شروع شد و تا قرن نوزدهم مرکانتیلیستی باقی ماند. «گودرون ود» معتقد است که تا اواخر دهه ۱۹۸۰، جهان تحت سلطه «قدرت‌های مرکانتیلیستی» و ایالات و «طوفر خاص بریتانیا به دنبال «سیاست‌های تجاری مرکانتیلیستی» (Wood، ۲۰۰۹: ۱۵). «پولس گرانت» که رئیس جمهور ایالات متحده امریکا از سال ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۷ بود، می‌گوید: شرح است. در سال ۱۶۶۵ «صنعت آینه‌سازی انگلیسی» تاسیس شد و در سال ۱۶۷۲، برای حمایت از صنعت آینه‌سازی فرانسه، وارادت آینه را از ایتالیا منع کرد. به همین ترتیب، صنایع نساجی را برای دربار شاهی تأسیس نمود. فعالیت کمپانی هند شرقی فرانسه را تقویت و رفتن کارگران ماهر فرانسوی به خارج از کشور، را ممنوع اعلام کرد. اقتصاددانان نظریه‌ها و سیاست اقتصادی «کولبرت» را که موجب رشد چشمگیر اقتصاد فرانسه شد، به نام کولبرتیزم نامیده‌اند. اما در یک معنای کلی و صحیح‌تر، باید نظریات وی را زیر مجموعه سیاست حمایت گرانه دانست.

«جرج سوروس» صاحب نظریه «بنیادگرایی می‌نویسد: «یک چیز درباره تاریخ تجارت کاملاً روشن است حمایت از تولید داخلی شاید را توصیه می‌کند. اتفاقا، صنعتی بر آمده از حمایت گرایی بود. برای مثال سال ۱۸۹۹ ایالات متحده امریکا بیشترین از لیدر (ممنوع کردن) ۱۷۰۰ واردات کالا از رقبا را منع کرد. به بیرمی حمایت از صنایع نوزاد خود، ساده تر بیا را واردات همه کردیم. برای حمایت از صنایع نوزاد خود، ساده تر بیا را واردات همه بیاور. دولت به اینکه ایالات متحده امریکا را به یک کشور صنعتی تبدیل کرد، در ایران نیز پیشنهاد می‌شود تا این تفاوتی تصمیم شده در ایران اتفاق افتاد که ایده‌ی لیبرال‌ها و سیاست‌ها را وضع کرده‌اند. برای از ایجاد می‌کند.

تحقیقات گسترده‌ای درباره رابطه بهره‌مندی از بازار با رشد و پیشرفت اقتصادی کشورها انجام شده است. ادام اسمیت که ریشه رشد اقتصادی را در تقسیم کار می‌داند، معتقد است که تقسیم کار محدود به اندازه بازار

اقلام را ممنوع می‌کرد. دولت همچنین برای خرید ماشین‌آلات داخلی یارانه‌های قابل توجهی پرداخت می‌کرد که بخشی از سیاست صیانت از بازار داخلی در برابر هجوم کالای خارجی به شمار می‌رفت. و نهایتا واردات برخی کالاها اساساً ممکن نبود، نه به دلیل اینکه ممنوعیت قانونی وجود داشت، بلکه به این دلیل که دولت اجازه تخصیص ارز برای واردات آنها را نمی‌داد(Chang، ۱۹۹۳).

پس از سال ۱۹۶۷، سیاست کنترل واردات از «لیست مجاز» به «لیست ممنوعه» تغییر کرد که طی آن، کالاهایی که در لیست ممنوعه قرار می‌گرفت، اجازه واردات نداشت. در کنار سیاست لیست ممنوعه، از ابزار تعرفه بر کنترل الگوی واردات استفاده شد. در سال ۱۹۶۸ متوسط تعرفه وارداتی به ۵۴ درصد رسید که برای کالاهای مصرفی بادوام این نرخ ۸۵/۳ درصد و برای کالاهای مصرفی بی‌دوام، ۹۲/۳ درصد بود. این سیاست باعث شد که سهم کالای مصرفی در کل واردات کره جنوبی صرفا به درصد باشد(Kim، ۱۹۹۱). بر اساس یک بررسی، تا سال ۱۹۸۲ بالغ بر ۹۳ درصد کالاهای وارداتی کره جنوبی مشمول محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های وارداتی بود و آنگونه که لیبرال‌ها ادعا می‌کنند، آزادسازی تجاری اتفاق نیفتاده بود(Luedde- Neurath، ۱۹۸۶: ۱۵۶).

۴- ۲- خلق بازار

صیانت از بازار داخلی توسط دولت به تنهایی پیشرفت یک کشور را تضمین نمی‌کند. چنانکه گفته شد سیاست صیانت زمانی به کار گرفته می‌شود که عرضه و تقاضایی برای یک کالا در داخل کشور شکل گرفته باشد و بازار آن کالا از ناحیه کالاهای وارداتی در معرض آسیب باشد. اما نفس شکل گیری بازار به ویژه بازار محصولات صنعتی یا فناوری بالا، نیازمند وجود عوامل و زیرساخت‌هایی است که در اکثر موارد، بدون سرمایه‌گذاری از محل منابع عمومی توسط دولت، ایجاد نمی‌شوند.

تولیدکنندگان کالاهای مصرفی، عمدتا مصرف کننده فناوری‌هایی هستند که در سطح ملی و با مشارکت ملی به دست آمده‌اند؛ آنها در واقع این فناوری‌ها را در قالب محصولات مصرفی، تجاری‌سازی می‌کنند. در موارد بسیاری، ارتقای محصول توسط تولیدکنندگان، نیازمند استفاده از فناوری‌هایی است که نسبت به فناوری‌های رقبا، کارآمدتر باشند. این رویکرد امریکا، باعث سرریز فناوری از حوزه‌های نظامی و زیرساختی به حوزه‌های تجاری شد. برای نمونه، میکروچیپ‌هایی که برای پرتاب‌های موشک جهت وصولی از اطلاعات و ذخیره اطلاعات در کامپیوترها و گوشی‌های شخصی تبدیل شد. توسعه شرکت ایلن استفاده می‌شود، در ایالات متحده امریکا، در دوران جنگ سرد، نقش مهمی در شکل گیری بازار داشت. با توجه به وسعت بالای سوداگری و سفته بازی، سرمایه در ایران نباید با این حجم وسیعه انگیز نیفی شود تا در گام دوم دوباره در حرکت به سمت بخش تولید توسعه بگیرد.

پس از جنگ جهانی دوم، به گواهی طرح‌هایی از قبیل مارشال، رویکردی امدادی به توسعه و آبادانی اروپا داشت. امریکا و اروپا هر دو بر چیدارات نظریه تجارت آزاد و تقسیم کار بین‌المللی بودند و خطاب به کشورهای مستضعف جهان می‌گفتند تنها راه توسعه، توقف حمایت گرایی از تولید داخلی و آزادسازی تجاری- مالی است؛ می‌گفتند دلیلی ندارد آنچه را که می‌توانید به قیمت ارزان در بازار جهانی خریداری کنید، بخواهید در داخل کشور خود با هزینه گزاف تولید کنید. در چنین فضایی، توسعه اقتصاد بازار به اروپایی‌ها این بود که به جای اینکه به سمت تولید پرهزینه هواپیما بروند، نیاز خود را با قیمت چندبرابر کمتر، از امریکا تأمین کنند. اما اروپایی‌ها چنین نکردند. کنسرسیوم از کشورهای فرانسه، انگلیس، آلمان غربی و اسپانیا تشکیل و در سال ۱۹۷۰، شرکت ایرباس در راستای سیاست «خلق بازار» تأسیس شد. طبیعی بود که ایرباس در آغاز کار خود قادر به رقابت با بوئینگ که قدرت تمند نبود. ایرباس نه تنها یک شرکت سودده نبود بلکه طبق گزارش هفته‌نامه اکونومیست در اکوست ۱۹۸۰، ۲/۵ میلیارد دلار زیان خالص بود. با این حال، طبق سندی که در دسامبر ۱۹۷۹ توسط پارلمان فرانسه منتشر شده است، دولت‌های اروپایی به حمایت از ایرباس می‌پردازند تا شرکت در بازار ادامه دادند، چراکه منفعت بودن هدر رفتن منابع عمومی بیش از منافع اقتصادی بود. در این جنگ جهانی اقتصادی، حیاتی است که شبه مونوپولی تولیدکنندگان امریکایی در هواپیماهای کوتاهبرد و میان‌برد شکسته شود(Carley، ۱۹۸۱) و شکسته شد. سهم ایرباس از بازار حمل و نقل هوایی آرام آرام افزایش یافت و نهایتا در سال ۲۰۱۵ میلادی، این شرکت توانست از بوئینگ امریکایی نیز پیشی بگیرد.

اعطای یارانه دولت‌زایی به صنایع دریایی و ریلی پس از خصوصی‌سازی، دولت‌زایی پس از ایجاد شرکت‌های صنعتی، تعدادی از آنها را با تخفیف به بخش خصوصی واگذار کرد. اما این خصوصی‌سازی هر گاه به سازی رهسازی این صنایع توسط دولت شد، برای مثال در طول دهه ۱۸۷۰- ۱۸۸۰ بسیاری از کارخانه‌های کشور انگلستان، دولتی شدند. در این حین پس از خصوصی‌سازی هم یارانه می‌گرفتند. هم‌اما با صنعت دریایی ویلیام کنتی، شرکت کشتی‌سازی بین ۱۵۵۰- ۹۰ درصد یارانه‌های دولت را پیش از ۱۹۲۴ به خدا اختصاص می‌داد. دولت ژاپن همچنین در سراسر دهه ۱۸۸۰- ۱۹۰۰ با شرکت‌های خصوصی در حوزه راه آهن یارانه می‌داد. دهه ۱۸۸۰- ۳۶ درصد یارانه‌های دولتی به بخش راه آهن اختصاص یافت.

۴- ۴- قبض بازار

سرمایه میل به بیشینه شدن دارد و به صورت طبیعی به سمتی حرکت می‌کند که بدون درگیر کردن سایر عوامل تولید(زمین، نیروی کار و سرمایه)، به بیشترین سود برسد. فعالیت‌های غیرمولد، نظیر دلالی، سوداگری و سفته بازی، بیشترین جاذبه را برای سرمایه دارند که بدون دخالت سایر عوامل تولید، سود حاصل می‌شود. یک نظام اقتصادی سالم اما باید بیشترین سود را به تولید- و در سطحی پایین‌تر به خدمات مرتبط با تولید- بدهد. اگر فعالیت‌های غیرمولد، بازار پرسودی داشته باشند، سرمایه‌ها به سمت طبیعی از فعالیت‌های مولد فاصله خواهند گرفت و باعث تضعیف تولید در کشور خواهد شد. در چنین شرایطی وظ